

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نذیر دلسوز
۱۳ سپتمبر ۲۰۱۴

سخنی مؤجذ با هموطن گرامی « متین متین »

نخست سلام!

با پوزش از شما ، اجازه می خواهم بنویسم : هموطن ما (...) در همین صفحه فیسبوک در تأیید سوسیالیزم در خلال یک یا دو جمله توضیح داد . شما بی درنگ وی را ملامت نموده در دو و یا سه جمله سوسیالیزم را تا رسیدن به جامعه کمونیستی تشریح نمودید و در پایان تفسیر کوتاه تان اعتراض کنان بر آن هموطن خرده گرفته نوشتید که چرا در مورد چیزی که عیان است آن را بیان نموده است ؛ و این مثل را پشتوانه قوی اعتراض و ناراحتی تان ساخته نوشتید :

« چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است » .

آقای متین ! تبلیغ ایدئولوژی کمونیستی مسأله یک نسل است . به خصوص از زمانی که خائنان به امر سوسیالیزم (ریویزیونیست های خلق و پرچم) در افغانستان کودتا نموده دست به ترور و اژه و اژه این علم (علم مبارزه طبقاتی و انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی و...) زدند . در مورد تبلیغ و تلقین نظرات رهبران پرولتاریای جهان در میان مردم (این مثل) نه تنها بکلی نارسا و نادرست است ؛ بلکه مفهوم ممانعت تبلیغ در اذهان نسل جوان را [که روزانه مغزهای شان توسطه تبلیغات امپریالیستی و اسلامی هزاران بار بمبارد می شود] دارد . بنابراین کار برد نا بجای این مثل (« چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است ») در این رابطه پذیرفتنی نبوده ؛ بلکه دور انداختنی است .

به این امر نهایت مهم باید توجه کنید که اندیشه های دورانساز و مترقی ، به خصوص تحلیل های ساختار دولت و انقلاب ، ارزیابی و شکافتن متن مقولات سیاسی نظامی و اقتصاد سیاسی برای نسل جوان و مردم ساده اندیش و خوشباور امری است نهایت میرم و ضروری – نسل جوان و مردمی که عادت کرده اند ، و خو گرفته اند به تحلیل اجیران قلم به دست صاحبان سرمایه که می فرمایند و می نویسند : « دولت همیشه بوده و تا ابد خواهد بود » ؛ یا «دولت برای حفظ نظم و قانون است ورنه انسان یک دیگر خود پاره پاره می کنند» یا به نقل از افلاطون و سقراط و روسو و مالتوس و سایر دانشمندان و سیاستمداران حافظ مالکیت خصوصی می نویسند که « دولت ایده آسمانی است » و از این چرندیات پوچ . این قبیل سخنان را آنان به صد ها و هزاران بار در رسانه های گفتاری ، دیداری ، شنیداری و ... ، تبلیغ می کنند . در کتاب های درسی کودکان و جوانان و اوراق و اسناد و کتاب ها برای محصلان و دانشجویان هم درج می نمایند ؛ همچنان این سخنان پوچ و خنده برانگیز را از زبان ملا های پوده و اجیره شده شان در میان مردم تبلیغ و ترویج می نمایند .

بگذارید اشاره ای به تبلیغ در ادیان نمایم ، به خصوص به دین اسلام :

در مذهب شیعه - که همواره در تقابل با تسنن قرار دارد - تبلیغ بسیار زیاد شدیدتر از تسنن است . آخوند های شیعه همیشه حقانیت این مذهب را به توده های خوشباور و ساده اندیش شیعه تلقین می کنند ؛ حتا حفظ قرآن را به کودکان شان توصیه می نمایند و مردم را وامیدارند که بر خاک و کلوخ کربلا روزانه پنج بار پیشانی شان را بمالند و آن را ببوسند و در روز های محرم پوست و گوشت شان را پاره و تکه نمایند و در اسماعیلیه به گونه دیگر تا حدی که خانم های محترم شان تمام جواهرات شان را بعد از وفات شان به بزرگ شان هدیه می کنند که وی خود را با طلا وزن کند . ملا های تسنن به مردم تلقین می نمایند که در وقت نخستین لقمه نان خدا را بر زبان بیارند؛ حتا در وقت همبستر شدن با سیاه سر هایشان « بسم الله » گفتن را نباید فراموش نمایند که اولاد شان

باز هم توجه شما را به مهم بودن تبلیغ و تکرار مکررات در مورد اسلام تسنن جلب می نمایم :

از صد هاسال گذشته (تا چندین سال اخیر) ملا های عربستان اجازه نمی دادند کسی از جریان مراسم حج و چرخک خوردن های خوشباوران ساده اندیش مردم جهان به گرد خانه کعبه کسی عکس بردارد . از چند سال بدینسو شما خود شاهد هستید که خاندان زمینی کعبه به خاطر هراس از ازدیاد خدا شناسان در جهان و تحکیم پایه های لرزان دین و مذهب اسلام دست به یک سلسله تبلیغات سیستماتیک زده اجازه دادند عکس و فلم برداری از خانه سیاه (کعبه) را بر روی پرده های سینما و تلویزیون های ممالک اسلامی رائج سازند . در این راه پول های هنگفتی به خاطر توجه بیشتر مردم به آمدن به عرب سعودی و طواف این " منبع درآمد سرشار " می پردازند ، که تلویزیون های کابل و در پیشاپیش آنها " طلوع " و " تلویزیون ۱ " با هم در رقابت مسخره ای قرار گرفته اند من جمله از دو خادی (وحید قاسمی خادی و فرهاد دریای چتل) گرفته تا نذیر خارای « آوازشناس » مسلمانی نمائی های تهوع آور نموده در وصف حج و می سرآیند و به مزد خود می افزایند .

به اعلانات بازار اگر توجه شده باشد . یک عدد «ساندویچ » ساده را طی یک ماه هزاران بار اعلان می نمایند ؛ زیرا فروشندگان به درستی واقف اند که در بازار فروش ، ده نوع دیگر این غذای ساده وجود دارد که روزانه صد ها بار از جانب صاحبانش در رسانه ها تبلیغ می شود . این ها هم غذای شان را روزانه ده هابار - تا جایی که توان مالی دارند - تبلیغ می کنند ، تا در زیر انبوه تبلیغات سایر سازندگان این غذا ؛ ساندویچ ساخته شده آنها گم نشود و جایی را برای خودش در ذهن شنونده، به خود اختصاص داده باشد ، تا در بازار که می رود و احساس گرسنگی می کند همین فرآورده غذایی اعلان شده آنان را بر گزیند .

ما هم نیاز داریم نظرات پیشوایان پرولتاریا را نه یک بار ؛ نه صد بار ؛ بل بیشتر از آن می باید در میان نسل جوان و مردم تبلیغ و تلقین نمائیم ، تا در اذهان مردم طوری نشست کند که سبب برخاست تحلیل های زهر آگین و تباهی آفرین اجیران سرمایه [در باره تقدس مالکیت خصوصی ، ابدی بودن دولت ، و دهها پیکره ای که در خدمت استثمار مردم قرار دارد] گردد ، و این هسته های علماً شکل یافته سر انجام در اذهان مردم عمیقاً ریشه گرفته بارور گردد . پس می شود گفت : « چیزی که عیان است بایست هزاران بار بیان گردد »

دلسوز ۷ سپتمبر دلسوز